



## بصیرت‌افزایی در نظام اعتقادی و سیاسی امام سجاد (ع) با تأکید بر دعای ۲۷ صحیفه سجادیه

علی فارسی مدان<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

### چکیده

دعای بیست و هفتم صحیفه سجادیه، یکی از ادعیه‌ای است که امام سجاد (ع) برای مرزداران و مرزبانان دعا فرموده است. امام (ع) در این دعای ارزشمند به اصول و نکاتی پیرامون جنگ و جهاد؛ ویژگی و خصایص فرماندهان و مرزبانان؛ اهمیت مرزداری و وظایف مهم مرزبانان و... در قالب و روش دعا اشاره فرموده است. یکی از فرازهای مهم حضرت (ع) درخواست بصیرت‌افزایی برای نیروهای مسلح می‌باشد: «وَعَرَّفَهُمْ مَا يَجْهَلُونَ وَعَلَّمَهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَبَصَّرَهُمْ مَا لَا يَبْصُرُونَ»؛ «آنچه را نمی‌دانند و از آن بی‌خبرند و یا بصیرت نسبت به آن ندارند آگاهشان فرما». از این فراز دعا و سیره علمی و عملی امام سجاد (ع) روشن می‌گردد، بصیرت‌افزایی و افزایش آگاهی و بینش افراد مورد عنایت امام سجاد (ع) بوده است، زیرا دوران امامت حضرت سجاد (ع) مصادف با یکی از سیاه‌ترین ادوار حکومت تاریخ اسلام بود. گرچه پیش از آن نیز حکومت اسلامی دست‌خوش انحراف گشته و به یک حکومت استبدادی و خودکامه تبدیل شده بود، اما تفاوت زمان امام چهارم (ع) با ادوار سابق چنان بود که سردمداران حکومت، به صورت آشکارا و بدون هیچ‌گونه پرده‌پوشی، به مقدسات اسلامی دهن‌کجی می‌کردند و آشکار اصول اسلامی را زیر پا می‌گذاشتند و هیچ‌کس هم جرأت کوچک‌ترین اعتراض نداشت. در این فضای غبارآلود امام سجاد (ع) در قالب دعا، گریه، عزاداری، مناجات و خطبه‌ها به بصیرت‌افزایی پرداختند. در این مقاله سعی شده است به بصیرت‌افزایی در دو حوزه اعتقادی و سیاسی با توجه به دعای ۲۷ صحیفه سجادیه اشاره شود. امام (ع) در نظام اعتقادی خویش به بصیرت‌افزایی در مسائل اعتقادی مانند: خداشناسی؛ انسان‌شناسی؛ فرجام‌شناسی؛ تعلیم معارف دینی؛ موضوع امامت و پاسخ به مسائل و شبهات سیاسی بپردازد. همچنین در بُعد سیاسی به موضوعاتی هم‌چون: ضرورت بصیرت در نیروهای مسلح؛ دشمن‌شناسی؛ تشخیص حق از باطل؛ بیداری اسلامی؛ افشای چهره و ماهیت دشمنان اسلام توجه شده است. نویسنده، با طرح این سؤال که: «بصیرت‌افزایی در نظام اعتقادی و سیاسی امام سجاد (ع) چه جایگاهی دارد؟»، به روش توصیفی - تحلیلی، درصدد آن هستند به اهداف مقاله، برسند.

**کلیدواژگان:** امام سجاد (ع)، صحیفه سجادیه، بصیرت‌افزایی، نظام اعتقادی و سیاسی.

<sup>۱</sup> - دانش‌آموخته سطح چهار (دکتری) حوزه علمیه قم، پژوهشگر و نویسنده alifarsimadan98@gmail.com



## ۱. مقدمه

با توجه به فراز دعای ۲۷ صحیفه سجادیه بصیرت‌افزایی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظایف امام سجاد (ع) در نظام اعتقادی و سیاسی می‌باشد. بصیرت‌افزایی در تمامی حوزه‌های سیاسی، اعتقادی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی وجود دارد. بدین جهت بصیرت برای مرزداران و فرماندهان و نیروهای مسلح امری و تمامی افراد جامعه لازم و ضروری است. زیرا اگر بصیرت‌بخشی باشد، انسان قادر است راه را پیدا کند و در راه دین قدم بردارد والا اگر شناخت، بصیرت و آگاهی نداشته باشد؛ گمراه می‌شود. زیرا کسی که با بصیرت باشد، یعنی درک درست و عمیق از حق و باطل داشته باشد، می‌تواند در برابر فتنه و آشوب، جریانات و عرصه‌های سیاسی، و نیز در برابر دشمن خوب و موفق عمل کند.

امام سجاد (ع) در عصری که به دوره «تبیین تفکر اصیل اسلامی و نشان دادن بدعت‌ها و تحریف‌ها» (پیشوایی، ۱۳۷۹ : ۲۳۸) معروف بود، بصیرت‌بخشی و بیدار کردن مردم خفته از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین وظایف امام (ع) به شمار می‌رفت. دوره‌ای که اسلام در خطر بود و امام حسین (ع) با شهادت خود اسلام ناب محمدی را زنده کرد و امام سجاد (ع) نیز ادامه‌رو آن گردید. گفتنی است، مرزبانی و نظامی‌گری دارای اصول، شرایط و ضوابطی است. نیروهای مسلح، فرماندهان و مرزبانان باید این اصول و شرایط نظامی‌گری و اخلاقی را دارا باشند تا به موفقیت نائل آیند. در آموزه‌های دینی، یکی از زیباترین و مهم‌ترین عناوین و مطالبی که برای مرزبانان بیان شده، دعای ۲۷ صحیفه سجادیه است که در آن امام سجاد (ع) نکات مهم و ارزشمندی را تبیین فرموده است.

نویسنده در این پژوهش و تحقیق برآن است تا به نقش بصیرت که در دعای ۲۷ صحیفه سجادیه آمده است، بپردازد زیرا امام (ع) در فرازهای این دعا بهترین مطالب را در مسئله مرزبانی و مرزداری ارائه فرموده است که یک سند مکتوب و متقن و ماندگار محسوب می‌شود و مطالعه و عمل به آن نیاز به تأمل عمیق داشته و ضروری است. بنابراین، در این پژوهش لازم است به بصیرت‌افزایی در نظام تبلیغی و تربیتی امام سجاد (ع) پرداخته شود که در این زمینه تحقیقی صورت نگرفته است

## ۲. مفهوم شناسی

### ۲-۱-۲ دعا

دعا: دعاء به معنی خواندن و حاجت خواستن و استمداد است و گاهی مطلق خواندن از آن منظور است. مثل: «فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا» (نوح، ۶) و گاهی مراد همان درخواست و استمداد است، مثل: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ... أَنْ رَبِّي سَمِيعُ الدَّعَاءِ» (ابراهیم، ۳۹) و دعوه نیز به معنی خواندن می‌باشد، مثل: «اجیب دعوۀ الداع» (بقره، ۱۸۶) «قرشی بنایی، ۱۴۱۲: ۲: ۳۴۴). هم‌چنین: «الدَّعَا

(مثل النداء) یعنی کسی را بانگ زدن و خواندن جز این که ندا را در بانگ زدن بدون اضافه کردن اسم آن شخص به کار می‌رود. ولی دعا، بانگ زدن و خواندن است که پیوسته با اسم طرف همراه است ... و گاهی این دو واژه به جای یکدیگر به کار می‌روند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶: ۱: ۶۷۶). البته «در دعا کردن، انسان به قصد انشا چیزی را می‌خواند و از خدا درخواست می‌کند. دعاهای وارده از اهل بیت (ع) دعای خود انسان به حساب نمی‌آید. چون انسان به هنگام خواندن آنها قصد انشا ندارد و به قصد حکایت جملاتی را بیان می‌کند پس انسان دعا نمی‌کند، بلکه به خواندن دعا می‌پردازد» (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۱: ۲۱-۲۲).

## ۲-۲- صحیفه سجادیه

صحیفه سجادیه کتابی شامل ۵۴ دعا از امام سجاد (ع) است که پس از قرآن و نهج البلاغه مهم‌ترین و ارزشمندترین میراث مکتوب شیعه به حساب می‌آید، این صحیفه به نام‌های «خواهر قرآن» و «انجیل اهل بیت» شهرت دارد چنان‌که مانند قرآن و نهج البلاغه دارای فصاحت و بلاغت بی‌نظیری است.

در اهمیت و شناخت بیشتر صحیفه سجادیه باید به مطالعه و بررسی اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دوران زندگی امام سجاد (ع) پرداخت. جامعه اسلامی در عصر امام سجاد (ع)، از مبانی دینی تهی و مردم به خوش‌گذرانی روی آورده بودند و از طرف دیگر عالمان درباری به بسط فکری شریعت حاکم می‌پرداختند. دوره‌ای که حادثه جان‌گداز عاشورا از خاطره‌ها محو نشده بود. بر این اساس امام (ع) برای بیداری جامعه اسلامی بهترین تأثیر را داشت. امام سجاد (ع) ریشه اساسی فساد سیاسی را فساد فرهنگی جامعه تشخیص داد و با توجه به وضعیت استبدادی حاکم که افراد را فقط به اتهام تشیع دستگیر و به شهادت می‌رساندند، مکتب دعا را بنیان نهاد (حسینیان، ۱۳۸۲: ۵۶). بدین جهت شناخت «صحیفه سجادیه» گامی بلند و مهم در راستای آشنایی با «معارف اسلام» در تمام ابعاد می‌باشد. اما فهرست عناوین صحیفه سجادیه شامل: حمد الهی، درود بر پیامبر، فرشتگان مقرب، پیروان پیامبران، خویشین و دوستان، صبح و شام، بلا و سختی، اخلاق ناپسند، طلب آمرزش، پناه بردن به خدا، عاقبت به خیری، اعتراف و توبه، طلب حاجت، دادخواهی از ستم، هنگام بیماری، طلب آمرزش، شر شیطان، دفع بلا، طلب باران، مکارم‌الاخلاق، اندوه از خطا، هنگام سختی، تندرستی، پدر و مادر، فرزندان، همسایگان و دوستان، مرزداران، پناه بردن به خدا، روزی، پرداخت بدهی، توبه، دعا در نماز شب، درخواست خیر، گرفتاری به گناه، رضا به قضای الهی، هنگام رعد و برق، کوتاهی در شکرگزاری، پوزش از ستم، طلب عفو و رحمت، یاد مرگ، پرده‌پوشی از گناه، ختم قرآن، رؤیت هلال، ورود به رمضان، وداع با رمضان، عید فطر و جمعه، دعای عرفه، عید قربان و جمعه، دفع حيله دشمنان، خوف از خدا، فروتنی در برابر خدا، پافشاری در دعا، فروتنی در برابر خدا، زدودن اندوه می‌باشد.



## ۲-۳- بصیرت

بصیرت از واژه بصر گرفته شده است. راغب اصفهانی در مورد این واژه می‌گوید: «البصر: نوعی که می‌بیند (چشم و دیده) ... بصیره و بصر: نیروی بینایی چشم و قدرت ادراک دل است ... و آیه ۱۴ سوره قیامه به این معناست که: انسان کاملاً خودآگاهی به نفس خویش دارد و نفس او نیز به سود او گواهی می‌دهد، اما اعضایش که مرتکب کارها شده‌اند به زیان او گواهی می‌دهند و بصیره: یعنی: تبصره - به معنی شناسا بودن نفس است که در قیامت به سود و زیان است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۲۷).

ابن فارس نیز «بصیره» را به دو شاخه معنایی تقسیم کرده است:

۱. علم، برهان، سیر، روشن بودن ۲. درشتی و زمختی (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱: ۲۵۴).

هم‌چنین ابن منظور در ذیل لغت «بصر» تعدادی معنی برای بصیرت آورده است که عبارتند از: «البصیره الحجة، ... البصیره: عقیده القلب، ... البصیره: الفطنة ... البصیره: العبرة ... البصیر: العالم، ... البصیره: الثبات فی الدین ...» (ابن منظور، ۱۴۱۴؛ ۴: ۶۵ - ۶۶). هم‌چنین آمده است: «بصیرت به معنی بینایی دل است، راغب گوید: به درک قلب بصیرت و بصر (بر وزن فرس) گویند این معنی، مرادف معرفت و درک است و همان است که از صحاح و اقرب الموارد نقل شد که یکی از معانی بصر، علم است. طبرسی در آیه «أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا» (یوسف، ۱۰۸)، آن را معرفت و بینایی دل فرموده است و از اینجاست که بصیرت را عقل و زیرکی معنی کرده‌اند» (قرشی بنایی؛ ۱۴۱۲: ۱: ۱۹۵).

بنابراین، معانی بصیرت: «حجت و برهان، عقیده قلبی، هوش و زیرکی، عبرت، شناخت، یقین و ...» می‌باشد و در مجموع بصیرت به معنای: بینایی و روشنایی دل، چشم دل، جهت‌بخش زندگی و ... است و کسی که بصیرت دارد، می‌تواند با حجت، برهان و عقل راه درست و سعادت را پیدا کند و بر اساس آن حرکت کند تا گمراه نشود.

## ۳. بصیرت‌افزایی در نظام اعتقادی و سیاسی امام سجاد (ع)

با مطالعه صحیفه سجادیه به ویژه دعای ۲۷، خطبه‌ها و سیره علمی و عملی امام سجاد (ع) روشن می‌گردد، بصیرت‌افزایی در نظام اعتقادی و سیاسی امام سجاد (ع) جایگاه ویژه و مهمی داشته است. بدین جهت ما در این بخش به وظایف مهم بصیرت‌بخشی و بصیرت‌افزایی امام سجاد (ع) در ابعاد اعتقادی و سیاسی می‌پردازیم:

### ۱-۳- اعتقادی

امام سجاد (ع) در حوزه فرهنگی، اخلاقی و اعتقادی موظف بود به بصیرت‌افزایی در حوزه ایمانی و اعتقادی مردم بپردازد و مردم را از گمراهی و ضلالت و ضعف ایمانی نجات دهد. لذا، بصیرت‌بخشی در این حوزه، بسیار مهم و حیاتی است و با مطالعه دوران سخت و خفقان عصر امام



سجاد (ع) روشن گردید، امام (ع) به بصیرت‌افزایی در جنبه‌های مختلف اعتقادی پرداختند که به موارد آن اشاره می‌گردد:

### ۱-۱-۳- خداشناسی

یکی از مباحث مهم و کلیدی توحید، مسئله خداشناسی است. انسان در این موضوع به دنبال درک حقیقت و واقعیت آن است که بداند: از کجا آمده؟ خالق و آفریننده او کیست؟ این بحث از مسائل محوری قرآن کریم است تا انسان به پاسخ سؤالات خود برسد. البته در کلام الهی راه‌هایی برای خداشناسی بیان شده است، از جمله این آیه که می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...» (فصلت، ۵۳)؛ «ما نشانه‌های خود را در سراسر جهان و در وجود خود انسان‌ها به آنها نشان می‌دهیم تا بدانند او بر حق است.» و یا در آیات دیگری می‌فرماید: «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ \* وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ» (الذاریات، ۲۰-۲۱)؛ «و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما «نیز آیاتی است» آیا نمی‌بینید؟»

یکی از روش‌های امام سجاد (ع) در ایمان‌پروری و تقویت اعتقادی، بصیرت‌افزایی و اعطای بینش و آگاهی در مسئله خداشناسی است، حضرت (ع) سعی می‌کردند به انحاء مختلف مردم را با این مسئله و شبهات آن آشنا و آگاه کنند. چون شناخت هرچه بیشتر خدا، نقش مهمی در تقرب به خدا دارد و بدون شناخت خداوند، نزدیک شدن به او امکان‌پذیر نیست. بدین جهت، خداشناسی یکی از اهداف مهم در نظام اعتقادی امام سجاد (ع) به ویژه در صحیفه سجادیه می‌باشد. برای این منظور امام (ع) در دعاهای بسیاری به مسئله خداشناسی پرداخته است و با اشاره به موضوع‌هایی مانند توحید و مراتب آن، ذات خدا و صفات او همچون: خالق، قادر، علام، رحیم، غنی، قوی، منعم، عزیز، حکیم و ... به تقویت شناخت ما کمک می‌کند (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۵: ۱۲۹).

امام سجاد (ع) در دعای ۲۷ صحیفه سجادیه، برای مرزداران نعمت‌های بهشتی مانند: بهشت رضوان؛ قصرهای بهشتی؛ منزل‌های عالی ابدی؛ حوریان بهشتی؛ انواع نوشیدنی‌ها و میوه‌های بهشتی و... را از خداوند منان خواستار است: «وَ اجْعَلِ الْجَنَّةَ نُصَبًا أَعْيُنِهِمْ، وَ لَوْحًا مِنْهَا لِأَبْصَارِهِمْ مَا أَعْدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِنِ الْخُلْدِ وَ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ وَ الْحُورِ الْحِسَانِ وَ الْأَنْهَارِ الْمَطْرُودَةِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرَبَةِ وَ الْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَةِ بِصُنُوفِ الثَّمَرِ حَتَّىٰ لَا يَهُمُّ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْإِدْبَارِ، وَ لَا يَحْدُثُ نَفْسَهُ عَنْ قَرْنِهِ بِفِرَارٍ» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۷). در یک نگاه این معلول‌ها بیانگر علتی به نام آشنایی با توحید و خداشناسی است که از این روش به این خواسته‌ها و نعمات می‌توان رسید.

البته شناخت خداوند در نظام اعتقادی امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه، توفیق الهی را می‌طلبد: «الحمد لله على ما عرفنا من نفسه، والهمننا من شكره، و فتح لنا من أبواب العلم بربوبيته و دلنا عليه من الإخلاص له في توحیده، و جنبنا من الإلحاد و الشك في أمره...» (صحیفه سجادیه،



دعای اول، فراز ۱۰)؛ «سپاس خدایی را که خویشتن را (وجود، علم، قدرت و حکمتش را) به ما شناساند و شکر و سپاس خود را به ما الهام کرد و درهای علم به ربوبیت و پروردگاری‌اش را بر ما گشود و ما را به اخلاص در توحید و یگانگی‌اش راهنمایی فرمود».

«بنابراین با توجه به دعا‌های امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه و ادعیه دیگر، هدف تربیتی حضرت (ع) هدایت پیروان به شناخت خدا و تصحیح نظام اعتقادی آنهاست» (ابراهیمی فر، ۱۳۸۵: ۱۳۰). در این رهگذر روایاتی از امام سجاد (ع) در جهت تقویت خداباوری و خداشناسی وارد شده است (رک: شریف قرشی، ۱۳۷۲: ۲: ۸۱). نیز امام (ع) به سؤالات در مورد توحید نیز پاسخ می‌دادند تا سائل و مخاطب در مورد خدا شناخت خوب و کافی داشته باشند. چنان‌که از ایشان در مورد توحید پرسیدند:

امام (ع) در جواب فرمود: «انّ الله عزّوجلّ علم أنّه یكون فی آخر الزّمان أقوامّ متعمّقون فأنزل الله عزّوجلّ «قل هو الله احد» والآیات من سورة الحديد إلى قوله - و هو علیم بذات الصدور» فمن رام ماوراء هنالك هلک» (صدوق؛ ۱۳۹۸: ح ۲: ۲۸۳-۲۸۴)؛ «به درستی که خداوند عزّوجلّ می‌دانست در آخرالزمان گروهی خواهند آمد که اهل دقت و عمق فکری و با دانش هستند. به این خاطر خداوند سوره توحید و بعضی از آیات سوره حدید را نازل فرمود تا به خداشناسی و شناخت بهتر خداوند بپردازند. پس هرکس بالاتر از آن قصد کند هلاک می‌شود».

امام (ع) در این پاسخ، چند نکته را یادآور شدند:

- نخست: آینده‌نگری و پاسخ به نیاز آینده؛
- دوم: تفسیر سوره توحید و حدید؛
- سوم: خداشناسی محدوده خاصی دارد که باید تا آن مقدار که اهل بیت فرمودند، به تعمق و اندیشه پرداخت و بیشتر از آن جایز نیست.

یکی از نکات مهم خداشناسی این است که افراد با عقول خودشان خدا را می‌شناسند و توصیف می‌کنند. امام سجاد (ع) با اشراف به این نکته ظریف و مهم می‌فرمایند، محال است خدا را به اوصاف محدودی که از صفات بشری است، توصیف کرد. لذا، در این درباره می‌فرمایند: «خدا را به اوصاف محدود نمی‌توان وصف کرد. پروردگار ما بالاتر از توصیف است. چگونه می‌توان کسی را که خداوند اندازه‌ای ندارد به اوصاف محدود آورد، چشمان او را نمی‌بیند و او چشم‌ها را می‌بیند و او لطیف و خبیر است» (شریف قرشی، ۱۳۷۲: ۲: ۸۳).

به راستی که شناخت خدای تعالی در عقول بشر نمی‌گنجد، همان‌گونه که چشمان آدمی با نگرش محدودش او را نمی‌بیند و چگونه می‌تواند موجود ممکن فانی، به آن نیرویی احاطه پیدا کند که ابداع‌کننده این همه موجودات است که افکار و اندیشه‌ها، در کیفیت ایجاد و آفرینش آنها سرگردانند و چگونه ممکن است به معرفت آفریدگار بزرگ برسد؟

## ۲-۱-۳- فرجام‌شناسی

انسانی که دنیای مادی انتهای زندگی‌اش باشد و ظرف دیگری برای زندگی خود تصور نکند، حیات را فقط در زندگی دنیا خلاصه می‌کند، دچار بینش غلط در اساس زندگی می‌شود. در واقع، انگیزه و تفسیری برای زندگی دنیا به جز روزمرگی ندارند و همین امر باعث می‌شود احساس پوچی کرده و حتی بعضی افراد خودکشی را بهترین راه نجات از زندگی تکراری و رهایی از درد و رنج و مشکلات خود می‌دانند (معرفت، ش ۱۷۴: ۵۱-۵۳). امام سجاد (ع) در جهت مقابله با نگرش‌های غلط و تصحیح اعتقادات از شیوه بصیرت‌افزایی یعنی اعطای بینش و آگاهی به ترسیم بینش صحیح در مورد مرگ و معاد پرداختند. «چون اعتقاد به زندگی اخروی باعث می‌شود فرد آرزوهای خود را به زندگی ابدی معطوف ساخته و از توجه بیش از حد به آرزوهای غیرواقعی و دنیوی پرهیز کند» (پیشین). لذا، حضرت (ع) می‌کوشد تا تفکر و نگرش درست و صحیح نسبت به زندگی، مرگ و معاد به وجود آورد.

به همین دلیل امام سجاد (ع) در دعای ۲۷ صحیفه سجادیه روحیه و فرهنگ شهادت‌طلبی را برای فرماندهان و مرزبانان از حدود و ثغور اسلامی لازم دانسته و می‌فرماید: «فَإِنْ خَتَمْتَ لَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَ قَضَيْتَ لَهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَجْتَاحَ عَذُوكَ بِالْقَتْلِ، وَ بَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ بِهِمُ الْأَسْرُ»؛ «و اگر خواهی عاقبت‌بخیر باشد و شهادت برایش مقدر فرموده‌ای چنان کن که شهادت او پس از هلاکت دشمنت و به اسارت درآوردنش باشد». روحیه شهادت‌طلبی، ترس و دلهره از دشمنان و تهدیدهای آنان را برطرف نموده و در مرزداری استقامت و شجاعت را برای نیروهای مسلح به ویژه فرماندهان به ارمغان می‌آورد و نیز موضوع مرگ و معاد و قیامت را یادآور می‌شود و آنان را به سرنوشتی خوب و نیکو دعوت می‌کند و یا در صحیفه مبارک سجادیه دعایی درباره «یاد مرگ» دارند. باید دانست، سفارش یادآوری مرگ برای آن است که به انسان تذکر دهد، مرگ پایان زندگی نیست بلکه تولد ابدی در جهان سرمدی است» (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

امام (ع) در دعای ۴۰ می‌فرماید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد، و اُكفنا طول الأمل ... و سلّمنا من غروره و آمنّا من شروره، و انصب الموت بین ایدینا نصبا و لا تجعل ذکرنّا له غبّا.»؛ «ای خداوند بر محمد و خاندان او درود بفرست، و ما را از آرزوهای دور و دراز در امان دار ... ای خداوند! ما را از فریب سراب آرزوها به سلامت دار و از شر و فساد آن ایمنی‌بخش و مرگ را در برابر ما بدار و روزی مباد که از یاد مرگ غافل باشیم».

امام (ع) در این دعا ریشه و پایه فراموشی مرگ و غفلت از زندگی اخروی و معاد را آرزوهای طولانی می‌داند. به این خاطر از خدا می‌خواهد تا او را از آرزوی دراز باز دارد. زیرا آرزوی طولانی، آخرت را از یاد می‌برد و نتیجه آن گمراهی و بدبختی انسان است.

همچنین حضرت (ع) در دعاهای دیگر در صحیفه سجادیه (رک: ادعیه: ۵۲؛ ۱۱: ۲۴ و...) به

ترسیم بصیرت‌افزایی و بینش صحیح در این زمینه پرداخته است. امام (ع) با این فرمایشات و دعاها در پی آن است تا با این نوع بینش، دل آدمی صیقل بخورد و دیده‌اش به حقایق هستی گشوده شود تا رنگ بی‌معنایی و بیهودگی را از چهره دنیا بزدايد. آنگاه آدمی در خواهد یافت که دنیا، گذرگاهی است که انسان‌ها به ناچار از آن خواهند گذشت و به سوی سرنوشتی محتوم پیش خواهند رفت. این بینش، انسان را به آینده امیدوار می‌سازد و کردارش را اصلاح می‌کند (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

پس در آموزه‌های قرآنی حیات دنیا بن‌بست نیست، بلکه گذرگاهی است که با گذشتن از آن به عرصه‌ای بزرگ، باز و روشن می‌رسیم ... و در این بینش از مرگ، جهان پس از مرگ نیز با قوتی بی‌نظیر به تغییر آفرینی در رفتار انسان بر می‌خیزد. وجود چنین تداومی پس از حیات دنیا، رنگ بی‌معنای عبث بودن را از چهره حیات دنیا می‌زداید (باقری، ۱۳۸۶: ۸۹ الی ۹۱).

### ۳-۱-۳- انسان‌شناسی

خداوند کریم در قرآن حقیقت وجود انسان را «احتیاج و نیاز» (فاطر، ۱۵) معرفی می‌کند که ناگزیر است فقط به خداوند تکیه کند. امام سجاد (ع) نیز با شناخت از آموزه‌های قرآنی، به بصیرت‌افزایی و بینشی صحیح در مورد حقیقت انسان و با توجه به ویژگی‌ها، قابلیت‌ها، استعدادها و محدودیت‌های انسان و شناخت نقاط قوت و ضعف انسان؛ سیر تربیتی درست و صحیحی برای افراد معرفی کند که می‌توان در ادعیه امام (ع) بدان دست پیدا کرد تا در جهت متعالی حرکت کرد.

انسان دارای ویژگی‌های متفاوت ذیل است:

(۱) ویژگی‌های مثبت که عبارت‌اند از: خداجویی و خداخواهی، اراده و اختیار، کرامت‌خواهی، خوددوستی، وابستگی به خداوند، کمال‌خواهی، دوست داشتن هم‌نوعان، شوق به جلب رضایت الهی؛

(۲) ویژگی‌های منفی که عبارت‌اند از: خدافروشی، فخرفروشی، آزمندی، دنیاگرایی و ... بنابراین اگر انسان، یک ویژگی مثبت یا منفی را در خود بیندازد همان ویژگی مسیر زندگی او خواهد شد و بر طبق آن حرکت خواهد کرد.

پس اگر بینش درست و صحیح تربیتی را در مورد خود نداند، زمینه بسیاری از رذیلت‌های اخلاقی در او پدید خواهد آمد. مثلاً اگر نسبت به ویژگی مهم «خودپرستی» بینش صحیح نداشته باشد؛ گناهانی مثل حرص و غرور در او پیدا خواهد شد. ولی اگر شناخت کافی و صحیح از این گرایش فطری داشته باشد، در راه صحیح قرار می‌گیرد و به خدادوستی تبدیل می‌شود (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۵: ۹۷).



امام سجاد (ع) نیز درصدد است تا به انسان بصیرت‌افزایی و بینش و آگاهی صحیح و درست را بیاموزد. زیرا همان‌طور که گفته شد در مکتب قرآن، انسان موجودی ضعیف (نساء، ۲۸) و محتاج و نیازمند (فاطر، ۱۵) است.

امام (ع)، راه‌کار و علاج این نقطه‌ضعف را تکیه و توکل بر خداوند (ع) معرفی کرده و این نکته را در دعای ۲۷ صحیفه سجاده برای مرزبانان یادآور شده و می‌فرماید: «وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ»؛ «و به تدبیر امورشان پرداز» و یا در جایی دیگر (صحیفه سجاده؛ دعای ۲۰) می‌فرماید: «یا غنیّ الاغنیاء ها، نحن عبادک بین یدیک، وأنا افقر الفقراء الیک، فأجبر فافتنا بوسعک و لا تقطع رجاءنا بمنعک..»؛ «ای بی‌نیاز بی‌نیازان! اینک ما بندگان تو در دست توایم و من محتاج‌ترین محتاجان به درگاه توهستم، به گشایشی که در کار ما دهی بینوایی ما جبران کن و ما را از درگاه خود مران که نومید گردیم ...».

بنابراین عجز، ناتوانی و نیازمند بودن؛ حمایت و کمک خداوند را می‌طلبد تا در پناه باری تعالی محفوظ بماند. چنان‌که برای مرزبانان در دعای ۲۷ صحیفه چنین می‌فرماید: «وَأَحْرُسْ حَوَازِئَهُمْ، وَ أَمْنَعْ حَوْمَتَهُمْ»؛ «و حدود و جوانب لشکرگاهشان را حفظ و مستحکم فرما» و یا در دعایی دیگر (دعای ابوحمزه ثمالی) فرموده‌اند: «... اللهم أحرسنی بحراستک، وأحفظنی بحفظک ...»؛ «خدایا مرا در پناه مراقبت نگهداری کن و در سایه محافظت و فضل حمایت محفوظ دار».

گفتنی است، توکل آثاری مانند اعتماد به نفس، اطمینان قلبی و آرامش را به همراه دارد. زیرا «در توکل، فرد با اتصال به کمک و توجهات خداوند، احساس دل‌گرمی و توانایی می‌کند و مطمئن می‌گردد که به یاری او بر مشکلات چیره می‌شود» (معرفت، ش ۱۷۴: ۵۳). شواهد نیز نشان داده است افرادی که خداوند را به عنوان حلال مشکلات خود می‌دیدند در مقایسه با کسانی که منفعلانه مشکلات خود را به خداوند نسبت می‌داند سلامت روانی بهتری را گزارش نموده‌اند (پیشین).

پس امام (ع) با شناختی که از انسان دارد بصیرت‌بخشی و بینش صحیح و درست را یادآور می‌شود که باید برخداوند تکیه و توکل کرد. «حال اگر انسان بینشی صحیح نسبت به خود نداشته باشد و نداند که به خدا نیازمند و وابسته است، این فراموشی و نداشتن بینش صحیح، سبب سرکشی و ناسپاسی او می‌شود» (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۵: ۹۹-۱۰۰). چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید «کَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِطْفَاءً لَّيْطَعُ» (علق، ۶-۷)؛ «به یقین، انسان سرکشی می‌کند، وقتی که خود را بی‌نیاز ببیند».

براین اساس «هرگاه انسان، احساس بی‌نیازی از خدا (استغنا) کند یا احساس نیازمندی به غیر خدا کند، در هر دو حال از حقیقت خویش بازمانده و از خدا و خویش مستور به دور مانده است و در حقیقت، با خویشتن زندگی مجازی می‌کند» (باقری، ۱۳۸۶: ۸۷). بنابراین، امام (ع) در صحیفه سجاده به بصیرت‌بخشی و اعطای بینش و آگاهی در مورد شناخت حقیقت انسان پرداخته است.



#### ۴-۱-۳- تعلیم معارف دینی

امام سجاد (ع) در دورانی به امامت رسید که جامعه مسیر پرفراز و نشینی را پشت سر گذاشته بود و «امام وارث شرایطی شده بود که کج‌اندیشی، فرصت‌طلبی، عدالت‌گریزی، دنیاپرستی و عافیت‌طلبی از ویژگی‌های بارز آن بود» (تاریخ تشیع، ۸۲) و حکومت ستمگر اموی از هر راهی برای گسترش اقتدار سیاسی خود استفاده می‌کرد تا جایی که یزید برای حفظ قدرت خود، امام حسین (ع) را به شهادت رساندند. از این رو، عصر اختناق بهترین تعبیر برای دوره امام سجاد (ع) است. این اختناق و فشارها تا جایی بود که عصر امام (ع) به «دوره نومییدی از پیروزی حرکت مسلحانه» (پیشوائی، ۱۳۷۹: ۲۳۸)؛ معروف شد. این رعب و وحشت با بروز فاجعه حرّه و سرکوب شدید و بی-رحمانه نهضت مردم مدینه توسط نیروهای یزید شدت یافت و اختناق شدیدی در منطقه حاکم شد و محافل شیعه در عراق و حجاز، دستخوش ضعف و سستی گردید و تشکل و انسجامشان از هم پاشید» (پیشین، ۲۳۹).

امام سجاد (ع) به این روی‌گردانی و تفرقه که حاصل رعب و وحشت اموی است، چنین اشاره می‌کنند: «در تمام مکه و مدینه بیست نفر نیستند که ما را دوست بدانند» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۴: ۱۰۴).

با توجه به این شرایط و بحران‌هایی همچون غفلت از امامت، فراموشی حادثه کربلا و جهل مردم نسبت به آن، شکسته شدن تقدسات اسلامی، حاکم شدن خلیفه‌ای چون یزید، ترویج فرهنگ ابتدال در جامعه و... وجود داشت، باعث شده بود مردم به سمت راحت‌طلبی و دنیاپرستی روی بیاورند. بدین سبب امام سجاد (ع) باید مردم را آگاه و بیدار می‌کرد تا حقایق را ببینند و بفهمند؛ لذا ایشان بلافاصله بعد از شهادت امام حسین (ع)، در دو شهر بزرگ آن روز (کوفه و شام) دست به افشاگری زد و مردم را به بصیرت فراخواند. اگر بصیرت‌افزایی حضرت (ع) نبود، قیام‌های توأبیین، مختار هم شکل نمی‌گرفت.

بعد از آن که امام (ع) در مدینه مستقر شد. دستگاه اموی با اختناق شدید می‌خواست جلوی روشنگری و هدایت الهی امام (ع) را بگیرد. اما ایشان برای ادامه راه بصیرت‌افزایی و تعلیم معارف الهی از زبان «دعا و مناجات» استفاده نمودند.

#### ۵-۱-۳- امامت و تبیین آن

یکی از وظایف مهم امام سجاد (ع) بصیرت‌افزایی در مسئله امامت و ولایت است، زیرا «امامت در ساختار تفکر سیاسی و فرهنگی اسلام، عنصر فعال و حیات‌بخش است و از رسالت جاودانه اسلامی جدایی‌ناپذیر بلکه جوهره و حقیقت آن است. به گونه‌ای که اسلام بدون امامت، فاقد واقعیت‌ها و فعالیت‌های لازم، بلکه آیینی جامد و نمایی بی‌محتوا و کالبدی بدون حیات و اساس می‌باشد» (شریف قرشی، ۱۳۷۲: ۱: ۱۵۹).



### الف) تبیین اصل امامت توسط امام (ع)

امامت ریاستی عمومی در امور دینی و دنیایی می‌باشد (مظفرنجفی، ۱۴۲: ۲۸-۲۹). در تعبیری دیگر، گفته شده: «الإمام لطف» مقصود این است، امامت هم نظیر نبوت از مسائلی است که از حد بشری بیرون است و هر دو [نبوت - امامت] از طریق وحی و تعیین الهی باید بیاید با این تفاوت که نبوت مستقیماً از ناحیه خدا است و امام تعیین است از ناحیه پیغمبر از ناحیه خدا (مطهری، ۱۳۷۹: ۴؛ ۷۳۹).

امامت در اعتقاد امامیه، اصلی از اصول دین است (مظفرنجفی، ۱۴۲؛ ۳۰) که بدون اعتقاد به آن دین و ایمان کامل نیست چون امام (ع) نایب بر حق پیامبر ختمی مرتبت (ص) می‌باشد. در این جهت بصیرت‌افزایی و تبیین مسئله امامت یکی از مهم‌ترین وظایف ائمه معصومین (ع) در هر دوره بوده است. امام سجاد (ع) نیز در عصر خفقان سیاسی خویش و با محدودیت‌هایی که داشت، از شیوه‌های مختلف مثل نقل حدیث و اشاعه آن، استدلال به قرآن، و ... به تشریح اصل امامت در راستای بصیرت‌افزایی و آگاهی‌دادن پرداخت. چنان‌که در روایت نبوی «من مات و لیس له امام من ولدی مات میتة جاهلیة و یؤخذ بما عمل فی الجاهلیة و الاسلام» (موسوعه کلمات الرسول الاعظم، ۱۳۸۸: ۷؛ ۹۹؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۲؛ ۵۸)؛ یعنی: «اگر مسلمانی امام عصر و زمان خود را نشناسد و به آن معرفت نداشته باشد. به مرگ جاهلیت مرده است». در این روایت، امام سجاد (ع) از روایان آن محسوب می‌شوند، بر بحث اهمیت و ضرورت شناخت اصل امامت و عمل بر آن تأکید دارد.

از نکات مهم در اصل امامت، وجوب اطاعت از ائمه (ع) و قبول ولایت آنان است. امام سجاد (ع) نیز این نکته را تبیین و تشریح می‌کردند، چون صرف قبول کردن امامت بدون اعتقاد عملی مورد قبول نمی‌باشد. بلکه در اصل امامت باید اعتقاد زبانی و قلبی و عملی با یکدیگر همراه باشد.

شیخ صدوق روایتی را که امام سجاد (ع) یکی از روایان آن است چنین نقل می‌کند: «قال رسول الله (ص): الائمه من ولد الحسين (ع) من اطاعهم فقد اطاع الله و من عصاهم فقد عصی الله عزوجل هم العروة الوثقی و هم الوسیلة إلی الله عزوجل...» (موسوعه کلمات الرسول الاعظم، ۱۳۸۸: ۸؛ ۱۰). این روایت بیانگر وجوب اطاعت از ائمه (ع) است و در صورت عدم پذیرش حکم امام (ع)، عصیان و نافرمانی خداوند را به دنبال دارد.

### ب) امامت امام (ع) بعد از واقعه کربلا

بصیرت‌افزایی و رسالت دینی امام زین العابدین (ع) و پاسداری از میراث نبوی، پس از واقعه عاشورا آغاز شد، هنگامه‌ای بس سخت و جانکاه، آن هم در اسارت و زمانی که خالصان و صادقان به شهادت رسیده بودند. شروع امامت ایشان با مشکلات و موانعی همراه شد، یکی از آن مشکلات، «مسئله امامت» بود که در آن عصر به فراموشی سپرده شده و یا از آن غفلت داشتند چون در فرهنگ آن عصر خلیفه را به نوعی امام می‌دانستند (کبیر مدنی، ۱۴۰۹: ۳۷-۳۸). لذا، هدف امام



(ع) در حوزه بصیرت‌افزایی، «تعریف امامت و تبیین مقام و جایگاه آن در میان امت و نفی پذیرفتن ولایت غیر امام معصوم» بود (تاریخ تشیع، ۸۸). امام سجاد (ع) در راستای بصیرت‌افزایی به تبیین موضوع امامت خویش و اطاعت‌پذیری پرداختند (رک: موسوعه کلمات الرسول الاعظم، ۱۳۸۸: ۷؛ ۱۴۰-۱۴۱؛ صدوق، ۱۳۹۷: ۱؛ ۳۱۹؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲؛ ۳۱۸؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ۲؛ ۱۴۵ و ...).

"اربلی" در «کشف الغمه» (اربلی، ۱۳۸۱: ۲؛ ۸۳) دلایلی را برای اثبات امامت حضرت امام سجاد (ع) ذکر کرده‌اند که چنین است:

۱) آن حضرت (ع)، پس از پدر بزرگوارش (ع) در علم و عمل برترین مردمان بود و امامت برای چنین کسی است که برتر از دیگران باشد، نه برای آن‌کس که دیگری از او برتر باشد و گواه بر این سخن خرده‌های مردم خردمند است.

۲) ایشان نزدیک‌ترین فرد به پدرش (ع) بود و از جهت فضیلت و نژاد سزاوارتر به جانشینی او از دیگران بود، کسی که به امام پیشین نزدیک‌تر باشد سزاوارتر به جانشینی اوست از دیگران و گواه آن آیه ذوی الارحام است. (انفال، ۷۵).

۳) در هر زمانی به دلیل عقل واجب است امام و پیشوایی باشد، هر کس که در زمان علی بن الحسین (ع) مدعی امامت بود یا هر کس که دیگران ادعای امامت او را می‌کردند، به جز آن حضرت، فاسد است، در نتیجه امامت او ثابت می‌گردد، زیرا محال است خالی بودن در هر زمانی از امام (و راهنمای دینی).

۴) امامت به تنهایی در عترت پیامبر اکرم (ص) می‌باشد. به دلیل عقل و نیز روایتی که از پیامبر اکرم (ص) رسیده است و گفتار آن‌کس درباره امامت محمد بن حنفیه فاسد است، زیرا نصی درباره امامت او نرسیده است.

۵) تصریح پیامبر اکرم (ص) نسبت به امامت حضرت در حدیث لوح (در این لوح اسامی ائمه معصومین (ع)، از جمله نام مبارک امام سجاد (ع) آمده است. (رک: موسوعه کلمات الرسول الاعظم، ۱۳۸۸: ۷؛ ۴۶-۴۸؛ صدوق، ۱۳۷۸: ۱؛ ۴۱-۴۵؛ صدوق، ۱۳۹۷: ۱؛ ۳۰۸-۳۱۱؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۲؛ ۶۸۰-۶۸۶)، و تصریح جدش علی (ع)، وصیت امام حسین (ع). امام سجاد (ع) برای بصیرت‌افزایی و اثبات امامت خویش حتی به مناظره پرداختند (رک: صفار، ۱۴۰۴: ۱؛ ۵۰۲؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ۲؛ ۱۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۴؛ ۸۶).

بنابراین، می‌توان گفت حضرت امام سجاد (ع) در بحث امامت دو وظیفه مهم را انجام داد:

- تبلیغ و ترویج بحث اصل امامت و فروعات مختلف آن از طریق ادله نقلی و تبیین آن.
- با توجه به نص صریح روایات پیامبر اکرم (ص)، امام علی (ع) و امام حسین (ع)؛ بر امامت ایشان، حضرت (ع) در مکان‌های مختلف به اثبات امامت خویش در جهت هدایت و ارشاد مردم پرداخت.

## ۶-۱-۳- پاسخ به مسائل و شبهات دینی

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام سجاد (ع) در بصیرت‌افزایی و بالابردن بینش و آگاهی افراد، پاسخ به سؤالات و شبهات می‌باشد. در این بخش به برخی از شبهات مطروح می‌پردازیم:

## • شبهه جبرگرایی

در عصر امام سجاد (ع) حاکمان جبار برای توجیه کارها و افعال خود از شبهه جبر استفاده می‌کردند. یعنی، همه چیز را به خدا استناد می‌کنند و خودشان را بی‌تقصیر جلوه می‌دهند. برای نمونه، القای شبهه توسط عبیدالله ابن زیاد در کوفه از آن موارد است. وقتی امام سجاد (ع) به همراه کاروان اسرا وارد کوفه شدند. ابن زیاد به امام (ع) گفت: تو کی هستی؟ امام (ع) نیز خودش را با عنوان «علی بن الحسین» معرفی نمود.

«ابن زیاد» با شنیدن این جواب، در جمع حاضرین جلسه، از شبهه جبرگرایی استفاده کرد و به امام (ع) گفت: «ألیس قد قتل الله علی بن الحسین» (مفید، بی تا: ۲: ۱۱۶)؛ «مگر علی بن الحسین را خدا در کربلا نکشت؟»

«ابن زیاد» با این شبهه قصد داشت، خدا را مقصر شهادت امام حسین (ع) و یاران عزیز و باوفایش؛ جلوه دهد و خودش و یزید را از این ماجرا خارج کند که آنها هیچ دخالتی نداشتند. چون در جبرگرایی، اراده و اختیار نیست. نتیجه جبرگرایی این می‌شود، هیچ اشتباه و تقصیری متوجه ابن زیاد نیست. با طرح این شبهه، حق و باطل در هم می‌آمیزد تا حقیقت پنهان بماند.

امام سجاد (ع)، موظف است در حوزه بصیرت‌افزایی، با این شبهات؛ مخصوصاً شبهه جبر مبارزه کند و حق را آشکار نماید. بدین جهت در جواب ابن زیاد فرمودند: «قد کان لی أخ یسمی علیاً قتله الناس» (مفید، بی تا: ۲ ک ۱۱۶؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ۲۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۵ ک ۱۱۷)؛ «من برادری داشتم، نام او هم علی بود و مردم در کربلا او را کشتند».

«ابن زیاد» در شبهه خود پافشاری کرد. البته اصرار او در جهت کتمان حقایق بود و به امام (ع) گفت: «بل قتله الله»؛ «خیر، خدا کشت ...».

امام سجاد (ع) با بیان الهی و فصیح، در برابر این کلام ساکت نشد و فرمود: «اللَّهُ يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» (زمر، ۴۲)؛ «خداست که وقت مرگ ارواح خلق را می‌گیرد». حضرت (ع) به آنها فهماند که حین مرگ قبض روح فقط به دست خداست اما امام حسین (ع) را مردم کشتند (پیشین).

ابن زیاد بعد از این جواب‌ها و روشنگری‌های، غضبناک شد. علتش هم روشن است، او با القا این شبهه می‌خواست، شهادت امام حسین (ع) را به حساب خداوند بگذارد و خود را تبرئه کند اما امام (ع) در جواب این شبهه؛ حق و حقیقت را آشکار نمود و حق را از باطل جدا کرد.



• شبهه پیرامون شهادت امام حسین (ع)

دشمنان اسلام و قرآن بعد از شهادت امام حسین (ع) برای زیر سؤال بردن شهادت حضرت (ع)، سؤالات و شبهاتی را مطرح کرده و می‌کنند. فردی به امام سجاد (ع) عرض کرد: «برخی از ناصبین و دشمنان اسلام می‌گویند اگر قتل حسین بن علی (ع) باطل بود و ناحق به شهادت رسید؛ پس این قتل از صید روز شنبه به مراتب سخت‌تر و عظیم‌تر بوده، چرا خداوند بیشتر از صیادان روز شنبه بر آنها غضب نکرد؟»

آنها با این مقایسه می‌خواستند، قتل امام حسین (ع) را باطل جلوه دهند چون با این مغالطه می‌گفتند اگر به ناحق کشته شد، پس چرا خداوند خشم و غضب نکرد و تا مدت‌ها (قیام مختار) بعضی از آنها زنده بودند و بعضی از قاتلین به دست مختار کشته شدند.

امام سجاد (ع) به آن سائل فرمود: «در جواب ناصبان و دشمنان چنین بگو: مگر گناه ابلیس بزرگ‌تر از کسانی نیست که به اغوای او و وسوسه او کافر شدند: پس چرا خداوند آنان را مثل قوم نوح و فرعون را هلاک کرد ولی با ابلیس کاری نکرد، مگر ابلیس، به هلاکت شایسته‌تر نیست؟ پس چرا خداوند این مردم را به جهت وسوسه ابلیس نابود کرد ولی به ابلیس، آن همه مکر و نیرنگ مهلت داد؟ مگر نه این‌که خداوند حکیم است، باتدبیر است و خود می‌داند چه کسی را هلاک کند و چه کسی را باقی گذارد؟ پس همین‌طور درباره صیادان روز شنبه و قاتلان امام حسین (ع) حکیمانه حکم فرموده و باز خواست مختص بندگان است، نه حضرت حق» (طبرسی، ۱۴۰۳: ۲: ۳۱۲).

• شبهه پیرامون ائمه اطهار و اهل بیت (ع)

یکی دیگر از سؤالات و شبهاتی که از امام سجاد (ع) پرسیده می‌شد، پیرامون اهل بیت (ع) بود. علت آن شناخت کمتر از امام و جایگاه امام، و ... بود. امام (ع) نیز بر اساس رسالت دینی و بصیرت-افزایی خود به این سؤالات و شبهات پاسخ می‌دادند.

علامه مجلسی از سید مرتضی نقل می‌کند: «مردی از حضرت سجاد (ع) پرسید: به من خبر بده به چه سبب شما ائمه (ع) از مردم برتر و افضل شدید؟ امام سجاد (ع) فرمود: مردم بر سه قسم هستند: قسم اول؛ آن مردمی که به دست جدم رسول الله (ص) و ما ائمه (ع) اسلام آورده‌اند، دوست ما می‌باشند و ما بزرگ آنها هستیم و به ما ملحق خواهند شد. قسم دوم؛ آن مردمی که با ما جنگیده‌اند! بازگشت آنان به جهنم خواهند بود. قسم سوم؛ آن مردمی هستند که ما از آنها جزیه گرفته‌ایم، این‌ها در پیشگاه خداوند ذلیل و خوار هستند. چهارمین دسته دیگر نیست، پس چه فضیلتی از این بالاتر و افضل می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰: ۱۴۶).

امام (ع) با این پاسخ، به دو نکته اشاره فرمودند: نخست؛ تشویق مردم به دوستی و محبت اهل بیت و بیان نتیجه آن؛ دوم: تبیین علت برتری و فضیلت اهل بیت.

• شبهه پیرامون تفسیر قرآن



از جمله فعالیت علمی و فرهنگی حضرت (ع)، بصیرت‌افزایی پیرامون تفسیر قرآن و پیوند آن با اهل بیت می‌باشد. چون این دو با هم در حدیث ثقلین (رک: کلینی، ۱۴۲۹: ۴: ۱۹۸) توسط پیامبر اکرم (ص) بیان شده است. اهمیت این بحث در عصر امام سجاد (ع) بیشتر نمایان می‌شود، چون در آن زمان بحث امامت کمرنگ شده بود و از طرفی خطبا در دوره معاویه و به دستور او در منابر به سبّ علی (ع) می‌پرداختند. امام سجاد (ع) نیز به تبیین جایگاه امامت، فضیلت امام علی (ع) و اهل بیت (ع) از طریق تفسیر قرآن می‌پرداختند.

۱) منهال بن عمرو می‌گوید: از امام علی بن حسین (ع) و عبدالله بن محمد بن علی در مورد خمس پرسیدم: هر دو گفتند: هو لنا «این خمس برای اهل بیت است». از امام سجاد (ع) درباره این آیه «وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (بقره، ۱۷۷) پرسیدم؟ حضرت در جواب فرمودند: «یتامانا و مساکیننا» (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱: ۲۸۵).

۲) علامه مجلسی نقل می‌کند: «منهال گفت: از علی بن الحسین (ع) و عبدالله بن محمد در مورد آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا» (مائده، ۵۵)؛ پرسیدم؟ امام (ع) در جواب فرمودند: «این آیه در مورد علی بن ابی‌طالب می‌باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵: ۱۹۸). بنابراین، امام سجاد به بصیرت‌افزایی و تبیین آیه ولایت پرداختند تا مقام حضرت علی (ع) و اهل بیت شناخته شود.

#### ۴. سیاسی

##### • بصیرت در مرزداران و مسئولان

«بصیرت» یکی از ویژگی‌های مهم است که همگان باید نسبت به آن آگاه و عالم باشند. فرماندهان و نیروهای مسلح به دلیل اهمیت و جایگاه آنان در نظام حکومت اسلامی بیشتر به این موضوع توجه داشته باشند. امام سجاد (ع) در دعای خویش «بصیرت» را برای فرماندهان و مرزبانان ضروری دانسته و می‌فرماید: «وَعَرَّفَهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلَّمَهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصَّرَهُمْ مَا لَا يَبْصُرُونَ» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۷)؛ «آن‌چه را نمی‌دانند و از آن بی‌خبرند و یا بصیرت نسبت به آن ندارند آگاهشان فرما».

در این فرمایش نکات بسیاری نهفته است که به چند نکته اشاره می‌شود. نخست؛ یک مرزبان باید نسبت به جغرافیای محیط خود اطلاعات کافی داشته باشد؛ یعنی از امور جزئی نیز مطلع باشد؛ به همین جهت است که امام (ع) فرمود: «عَرَّفَهُمْ مَا يَجْهَلُونَ». دوم؛ مرزبانان باید از برنامه و طرح‌های دشمنان، یعنی امور کلی شناخت کافی داشته باشند؛ لذا امام فرمود «عَلَّمَهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ». سوم؛ حفظ مرزها متوقف بر هوشیاری و بذل توجه و دقت است، به این جهت امام (ع) فرمود: «بَصَّرَهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ». چهارم، شناخت و معرفت و بصیرت جزء لازمه لاینفک فرماندهان باید باشد و موقتی نیست، بلکه همواره این ویژگی را داشته باشند. پنجم؛ بصیرت‌افزایی فقط



مختص فرماندهان نیست، بلکه این خصلت باید در تمام افراد به ویژه نیروهای مسلح وجود داشته باشد. زیرا نیروهای مسلح متشکل از یک مجموعه است که همه آنها به هم مرتبط هستند.

#### • دشمن‌شناسی

«شناخت دشمن»، نقش مهم و اساسی در رویارویی انسان با دشمنان دارد، چرا که اگر توان انسان در رویارویی بسیار باشد ولی اطلاعات کافی در دست نداشته باشد، شکست خواهند خورد، زیرا هر موجود زنده‌ای دشمن دارد و به میزان گستردگی وجود خود با دشمن بیشتری روبه‌رو است. امام سجاد (ع) در دعایی (دعای ۴۹، صحیفه سجاده) به اهمیت شناخت دشمن، ابزار و روش دشمنان، کینه‌توزی و دشمنی آنان، دشمنی و ضربه زدن به اسلام و مسلمانان پرداخته است که نشان از اهمیت دشمن‌شناسی دارد. بر این اساس یکی از ویژگی‌های بارز و مهم مسئولان، مردم و فرماندهان، وجود صفت «دشمن‌شناسی» در آنها است. زیرا شناخت دشمن داخلی و خارجی در عملکرد آنان مؤثر است. بدین جهت امام سجاد (ع) در دعایی برای مرزبانان می‌فرماید: وَ الْطُّفُ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ (صحیفه سجاده، دعای ۲۷)؛ «و چاره و حيله مقابله با دشمن به آنها مرحمت کن».

با بررسی این فراز و دعای چهل و نهم صحیفه سجاده روشن می‌گردد، امام سجاد (ع) برای دفع دشمنان و بر ملا کردن نقشه‌های آنها بی‌تفاوت نیستند و خطر آنان را برای همگان به ویژه فرماندهان و نیروهای مسلح گوشزد نموده‌اند؛ زیرا دشمن با همه وجود در مقابل مسلمانان ایستاده است و درصدد نابودی اسلام و مسلمین می‌باشند، چنان‌که امام سجاد (ع) در فرازی از دعا می‌فرماید: «ای خداوند من، چه بسا دشمن ستمگر که با مکاید خویش مرا بیازرد و دام‌های خود بر سر راه من تعبیه کرد و مرا زیر نظر خود گرفت و چونان درنده‌ای که در کمین شکار گریخته خود بنشیند در کمین من نشست تا مگر فرصت حمله‌اش به دست افتد و در همان حال که با گشاده‌رویی چاپلوسی می‌کرد با نگاه خشم‌آلودش در من ...» (صحیفه سجاده، دعای ۴۹).

بنابراین، نقش فرماندهان و مرزبانان و نیروهای مسلح در رفع این خصومت حیاتی است. البته فرماندهان زمانی موفق و پیروز هستند که دشمن را خوب ارزیابی و شناسایی کنند و نگاه واقع‌بینانه به دشمن در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی داشته باشند زیرا دشمن از جهات مختلف درصدد ضربه زدن است و نباید دشمن را ضعیف شمرد بلکه باید با اصول دشمن و ابعاد دشمنی‌ها آشنایی پیدا کرد تا دچار مشکل نشوند؛ زیرا دشمن مترصد یک لحظه غفلت در انسان‌ها و نیروهای مسلح هستند. در اهمیت این موضوع و عنصر اساسی همین بس که امام علی (ع) در نامه خویش به مردم مصر که همراه مالک اشتر در سال ۳۸ هجری فرستاده شد، نامه را با این فرمایش به انمام رساند: «وَمَنْ نَامَ لَمْ يَنْمَ عَنْهُ»؛ «هر آن کس که به خواب رود، دشمن او نخواهد خوابید!» (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۶۰۳: نامه ۶۲).



### • تشخیص حق از باطل

یکی از موضوعات مهم در نظام سیاسی امام سجاد (ع)، معرفی مصادیق حق و اجتناب از باطل است. امام (ع) در بصیرت‌افزایی از روش‌های مختلف مانند افشاگری در خطبه‌ها، دعا، گریه و عزاداری استفاده نمودند. چنان‌که بعد از واقعه عاشورا، اسرا در مسیر کوفه به شام از باب «توما»، وارد دمشق شدند. مردم نیز به تماشای اسرا آمده بودند. یک پیرمردی همانند سایرین ایستاده بود. راوی نقل می‌کند: آن پیرمرد به کاروان اهل بیت نزدیک شد و گفت: «حمد خدا را که شما را کشت و بلاد را از فتنه شما خلاص نمود و امیرالمؤمنین، یزید را بر شما مسلط ساخت».

امام سجاد (ع) برای آگاه‌سازی و بصیرت‌افزایی آن شخص جاهل با برهان و استدلال خطاب به پیرمرد فرمود: «هل قرأت القرآن؟»؛ «آیا قرآن خوانده‌ای؟»؛ پیرمرد گفت: «بله»؛ امام (ع) فرمود: «آیا این آیه را خوانده‌ای: قل لا أسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی؛ ای پیغمبر به این امت بگو که من از شما برای ابلاغ اسلام اجری نمی‌خواهم مگر آن‌که درباره اقربا و خاندانم دوستی نمایید»؛ پیرمرد گفت: «بله خوانده‌ام»؛ امام (ع) فرمودند: «ماییم ذوالقربی که خدا در قرآن فرموده است». امام (ع) فرمود: «ای شیخ آیا این آیه «و ات ذی القربی حقّه» در سوره بنی‌اسرائیل را خوانده‌ای؟»؛ پیرمرد گفت: «بله این آیه را هم قرائت کرده‌ام». امام (ع) فرمود: «ما مشمول این آیه هستیم». امام در ادامه به آیاتی دیگر استناد فرمودند، آن پیرمرد پس از استماع این کلام از فرزند خیر الأنام (ع) که با استدلال همراه بود، زبانش از گفتار فروبست و از گفته‌های خود پشیمان گشت و از روی شگفت و تعجب آن حضرت (ع) را سوگند داد که آیا همان اهل بیت حضرت رسول (ع) هستید؟ امام سجاد (ع) فرمود: «به خدا سوگند که ما همان اهل بیت پیامبریم و در این خصوص هیچ شک و شبهه‌ای نیست و به حق جدّ ما سوگند که ماییم اهل بیت خاتم الانبیاء». وقتی پیرمرد با بصیرت‌افزایی امام سجاد (ع) حق و مصداق حقیقت را متوجه شد. اشک از چشمانش جاری شد و عمامه را از سر برداشت و بر زمین انداخت و سر را به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! من بیزارم از آن کس که دشمن آل محمد است، چه از جن باشد و چه انس». سپس آن پیرمرد در حضور امام سجاد (ع) توبه نمود و چون خبر به یزید بن معاویه رسید آن پیرمرد را به قتل رساند (رک: ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵؛ ۱۲۹).

هم‌چنین، وقتی امام سجاد (ع) پس از ورود به مدینه، فضای جامعه آن روز را مملو از اختناق و اضطراب می‌دید؛ بدین جهت شرایط زمان و حال اقتضا داشت، امام (ع) برای حفظ احیای خون تازه اسلام در رگ‌های مسلمین و به ثمر نشستن نهضت عاشورای حسینی؛ چند هدف عمده را دنبال می‌کرد:

- ❖ ایجاد تشکیلات شیعه با حفظ جان خویش، شیعیان و بازماندگان کربلا؛
- ❖ بصیرت‌افزایی و آگاهی‌بخشی و روشن نمودن مسلمانان با حادثه غم‌بار کربلا؛



❖ تنویر افکار عمومی با چرایی و اهداف عاشورا؛

❖ تبیین وظایف شیعیان و نگاه به افق آینده و انجام رسالت تبلیغ و تربیت؛

امام سجاد (ع) برای آن‌که بتواند به وظایف امامت و مسئولیت سنگین بصیرت‌افزایی و اهداف خویش واصل گردد؛ از سیاست سکوت استفاده نمودند و از دو عمل و راهکار «دعا» و «گریه» برای بصیرت‌بخشی بهره بردند.

#### • بیداری اسلامی

امام سجاد (ع) با بصیرت‌افزایی مخاطبان خود و مسلمانان جهان اسلام را از خواب غفلت بیدار نمودند. لذا، ابتدا امام (ع) با شناختی که از موقعیت، درجه ایمان و اعتقاد، فضای حاکم بر شهر کوفه، جو روانی و ظرفیت آنان داشت، به آگاهی و بصیرت‌بخشی پرداخت. در کوفه ابتدا حضرت زینب کبری (س)، شروع به خواندن خطبه کرد و مردم شروع به گریه و ضجه و ناله کردند. سپس آنها با اشاره امام سجاد (ع) سکوت اختیار کردند تا ایشان به ایراد سخنرانی بپردازند. امام سجاد (ع) با توجه به سوابق کوفیان و مخاطبان خویش، با حالت ملامتگر و سرزنش‌کننده و بر اساس موقعیت‌های مختلف، خطبه‌ای بیدارکننده و بصیرت‌افزایی ایراد فرمودند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵: ۱۱۲-۱۱۳). کوفیان بعد از اتمام خطبه امام (ع)، بر اساس خصوصیات روانی، ایمانی و سطح آگاهی‌شان، از کرده خود پشیمان شدند و از هر طرف صدای ناله بلند شد و گروهی از کوفیان به گروه دیگر گفتند که «هلاک شدید و خود نمی‌دانید» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۷).

امام سجاد (ع) در ادامه سخنانش فرمود: «خدا بیامرزد کسی را که پند مرا بپذیرد و به خاطر خدا و رسول (ص) به آن‌چه می‌گویم عمل کند، چرا که روش رسول خدا (ص) برای ما الگوی شایسته است و به این آیه قرآن استناد کرد «و لکم فی رسول‌الله أسوة حسنة» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۸).

نتیجه حرکت انقلابی امام سجاد (ع) در بصیرت‌افزایی باعث شد، کوفیان ابراز همدردی کردند و در یک صدا فریاد برآوردند: «ای فرزند رسول خدا (ص) ما گوش به فرمان شما و به تو وفا داریم، از این پس مطیع فرامین تو هستیم، با هر که فرمان دهی می‌جنگیم، با هر که دستور دهی صلح می‌کنیم و ما حق تو و حق خودمان را از ظالمان می‌گیریم» (ابن طاووس، ۱۳۴۸: ۱۵۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ۲؛ ۳۰۶).

امام سجاد (ع) عمده‌ترین مشکل مخاطبین خود را «از خودبیگانگی» و «از دست دادن شخصیت آرمانی و اسلامی» و «خیال باطل» می‌دانستند و بر همین شناخت بود که آنها را مورد سرزنش قرار دادند. خطبه امام (ع) در جهت اثربخشی و بصیرت‌افزایی، موجب بیداری کوفیان گردید و نتایج خود را در قیام‌های توأبیین و مختار بروز داد.

### • افشای ماهیت دشمنان اسلام

یکی دیگر از موضوعات مهم در نظام سیاسی امام سجاد (ع) در بصیرت‌افزایی، افشای چهره و ماهیت واقعی دشمنان اسلام بود. امام حسن (ع) با صلح حسنی خویش، امام حسین (ع) با قیام خونین و امام سجاد (ع) با خطبه‌های آتشین و افشاگرانه ماهیت واقعی معاویه و یزید را بر همگان آشکار ساختند و در این میان امام سجاد (ع) با خطبه‌های خویش حرکت امام حسین (ع) را تکمیل نمودند. اهمیت حرکت انقلابی و بصیرت‌افزایی امام سجاد (ع) در شام نمود بیشتری پیدا کرد و هیئت حاکمه را رسوا نمود، زیرا شامیان تحت تربیت معاویه قرار گرفته بودند. چنان‌که از کتاب «ابن حجر عسقلانی» (۱۴۱۵: ۶: ۱۲۰) و «دینوری» (۱۳۶۷: ۱۴۰-۱۴۱) برمی‌آید، معاویه بن ابی سفیان، حدود هفت سال در زمان خلیفه دوم، دوازده سال در دوره خلیفه سوم، حدود پنج سال در ایام امامت علی (ع)، حدود ده سال در زمان امام حسن (ع) و نیز حدود ده سال در دوره امامت امام حسین (ع) حکومت شام را در دست داشت؛ بنابراین، آیا نمی‌توان؛ گفت معاویه بیش از چهل سال، بر فرهنگ، اعتقادات و سبک زندگی مردم شام تأثیرگذار بوده است؟ معاویه در این فرهنگ‌سازی اسلام مدنظر «بنی‌امیه» را ترویج داده و مردم را از فرهنگ ناب اسلام محمدی (ص) دور نگه داشته است. بنابراین امام سجاد (ع) زمانی وارد شام شد که:

۱) شامیان، فقط معاویه، یزید، حرف‌ها و بخشنامه‌های آنها را قبول دارند و اسلامی را می‌پذیرند که خلیفه گفته باشد. چون معاویه در قالب مسلمان و صحابی پیامبر (ص)، افکار و عقاید خود را با تز «جدایی دین از سیاست»، ترویج می‌داد.

۲) وقتی شامیان این گونه تربیت شده‌اند، پس به راحتی می‌توان ضد اهل بیت (ع) حرف بر زبان جاری کرد، خطبه خواند و خاندان پاک پیامبر (ص) را خارجی خطاب کرد. بنابراین شناخت شامیان نسبت به اهل بیت (ع)، بسیار ضعیف می‌باشد و با چنین وضعیت و شرایطی امام سجاد (ع)، وارد شام شدند و در جهت رسالت الهی خویش باید به بصیرت‌افزایی و تبلیغ و افشاگری نهضت عاشورا بپردازند. امام سجاد به همراه حضرت زینب (س) و کاروان اسرا وارد مجلس یزید گشته و در کاخ گفتگوهایی رد و بدل شد و بر فراز منبر رفت و خطابه خواند (رک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵: ۱۳۸). امام سجاد (ع) چنان خویش را با صفات متعدد معرفی نمود که مردم ضجه زدند، گریه کردند و نگذاشتند حضرت (ع) ادامه دهد. سخنان بصیرت‌بخش، حضرت سجاد (ع) و حضرت زینب (س) چنان در روحیه مردم شام تأثیر گذاشت که انقلاب به پا کرد. شامیان دریافتند کسانی که با چنین وضع فجیعی در کربلا شهید شدند، شورش نبودند، بلکه آنان از خاندان پیامبر اکرم (ص) بودند و خارجی نیستند. حتی عالم یهودی که در مجلس یزید بود، پس از شنیدن سخنان امام سجاد (ع)، از یزید پرسید: «این جوان کیست؟ یزید گفت: فرزند حسین (ع). یهودی گفت: کدام حسین؟» آنقدر پرسید تا دانست این‌ها از خاندان پیامبر اکرم (ص) هستند.

حسین (ع) کسی است که مظلومانه در کربلا به شهادت رسیده و او فرزند دختر رسول‌الله (ص) است. او یزید را مورد سرزنش قرار داد و گفت: «شما دیروز از پیامبران جدا شدید و امروز فرزندش را کشتید» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۷۴۱-۷۴۲). این تحول بزرگ و بصیرت‌افزایی امام سجاد (ع) و کاروان اسرا در میان شامیان و یزید و در شهرهای کوفه و مدینه آثار و نتایجی در جامعه اسلامی از خود برجا گذاشت که برخی از آنها به طور مختصر چنین است:

#### ❖ رسوا ساختن هیئت حاکمه

بنی‌امیه به حکومت و سلطنت خود رنگ دینی می‌دادند و به نام اسلام و جانشینی پیامبر (ص) در جامعه اسلامی حکومت می‌کردند و با شیوه‌های گوناگون مانند: جعل حدیث، جذب شعرا و محدثان و ... جهت تثبیت موقعیت دینی خود در جامعه می‌کوشیدند (پیشوائی، ۱۳۷۹: ۲۱۴). اما امام سجاد (ع) با سخنرانی و افشاگری‌ها توانست مسلمانان را از فجایع زشت و عملکرد نامناسب یزید آگاه و آشنا نماید.

#### ❖ آشنایی مردم با اسلام واقعی

امام سجاد (ع) در تمامی مباحث اعتقادی و سیاسی خویش، مخاطبان، مسلمانان و یزیدیان را با اسلام ناب محمدی، بهتر آشنا کرد و آنان را از اسلام مد نظر بنی‌امیه برحذر داشت.

#### ❖ احیای سنت شهادت

پیامبر اسلام (ص) با آوردن آیینی نو که براساس ایمان به خدا استوار بود، سنت شهادت را پی‌ریزی کرد و به گواه تاریخ، عامل بسیاری از پیروزی‌های بزرگ مسلمانان، استقبال آنان از شهادت در راه خدا به خاطر پیروزی حق بود. اما پس از درگذشت پیامبر (ص) در اثر انحراف حکومت اسلامی از مسیر اصلی خود، ... مسلمانان روحیه سلحشوری خود را از دست دادند و به رفاه و آسایش خو گرفتند. اما قیام امام حسین (ع) این وضع را دگرگون ساخت و سنت شهادت را در جامعه اسلامی زنده کرد (پیشین: ۲۱۸-۲۱۹). البته نقش بصیرت‌افزایی امام سجاد (ع) خیلی مهم بود. چون اگر افشاگری ایشان نبود و در منابر به دفاع از خون سیدالشهدا، نمی‌پرداخت؛ چه بسا جوامع اسلامی از شهادت امام حسین (ع) بی‌خبر می‌ماندند.

#### ❖ برپایی قیام در امت اسلامی

امام سجاد (ع)، بعد از شهادت امام حسین (ع) در مکان‌های مختلف مخصوصاً در شهر کوفه با سخنرانی فصیح و بلیغ به سرزنش و نکوهش کوفیان پرداخت و آنها را از خواب جهل و غفلت بیدار کرد. پس از این سخنرانی‌ها، کوفیان نادم و پشیمان شدند و دو قیام توأبین و مختار ضد بنی‌امیه بر پا شد.

## ۵. تجزیه و تحلیل

باتوجه به این‌که، این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی بوده است، در روش تجزیه تحلیل کمی و کیفی، به صورت تجزیه و تحلیل توصیفی بوده است. چون در تحقیق به صورت کتابخانه‌ای، مفاهیم و مباحث نظری و آموزه‌های دینی به ویژه دعای ۲۷ صحیفه سجادیه مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. در این راستا، تجزیه و تحلیل نوشتار حاضر در داده‌ها و یافته‌ها، به «تبیین نقش بصیرت‌افزایی در نظام سیاسی و اعتقادی امام سجاد (ع)»، پرداخت که داده‌ها و یافته‌ها بیانگر چند نکته می‌باشد:

- امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه (به ویژه دعای ۲۷) به تبیین فرهنگ دفاعی در نظام دینی - اسلامی پرداخته است.
- امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه به تمام ابعاد نظامی، سیاسی، اعتقادی و اجتماعی اشاره فرموده است.
- در نظام اعتقادی - سیاسی امام سجاد (ع)، ثغور و امنیت مرزها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

- دعا و نیایش در فرهنگ دفاعی - نظامی نقش مؤثری دارد.
- امام سجاد (ع) توانسته یک الگوی نظامی‌گری معرفی نماید.
- بصیرت‌افزایی در تمام ابعاد نقش مهمی دارد.
- بصیرت‌افزایی و بصیرت‌بخشی، تابلوی هدایتگر برای نظامیان می‌باشد.
- با بصیرت‌افزایی حق و باطل نمایان می‌شود.
- بصیرت‌افزایی در تقویت و تحکیم روحیه ایمان نظامیان مؤثر است.

## ۶. نتیجه‌گیری

یکی از وظایف اعتقادی و سیاسی امام سجاد (ع) در سیره علمی و عملی به ویژه در صحیفه سجادیه و دعای ۲۷، توجه به بصیرت‌افزایی و بصیرت‌بخشی و اعطای بینش و آگاهی در مرزبانان و فرماندهان و آحاد جامعه است. بصیرت‌افزایی تابلو و راهنمایی است که می‌تواند راه درست و سعادت را نشان دهد و از گمراهی و ضلالت نجات بدهد. چون اگر بصیرت‌بخشی باشد، انسان قادر است راه را پیدا کند و در راه دین قدم بردارد و الا اگر شناخت، بصیرت و آگاهی نداشته باشد؛ گمراه می‌شود. زیرا کسی که با بصیرت باشد، یعنی درک درست و عمیق از حق و باطل داشته باشد، می‌تواند در برابر فتنه و آشوب، جریانات و عرصه‌های سیاسی و نیز در برابر دشمن خوب و موفق عمل کند.

بصیرت‌افزایی و اعطای بینش در ابعاد مختلف سیاسی، اعتقادی، جهت تقویت و پرورش ایمان، افزایش سطح علم، معرفت، بینش و آگاهی افراد مؤثر است. بنابراین، یکی از اهداف مهم امام سجاد



(ع)، ایجاد بصیرت و بینش صحیح نسبت به انسان، جهان، خدا و معارف دینی می‌باشد. لذا، بصیرت‌افزایی به بُعد شناختی انسان کمک شایانی می‌کند تا او را از خطاها و اشتباهات جلوگیری کند. چون بسیاری از انحرافات تربیتی، اخلاقی، دینی، عقیدتی و ... ناشی از جهل و نادانی و عدم درک صحیح انسان است. بدین جهت امام سجاد (ع) به عنوان هدایتگر، از شیوه بصیرت‌افزایی و اعطای بینش و آگاهی در جهت هدایت امت مسلمان استفاده کرده تا نگرش انسان را نسبت به امور مختلف تغییر دهد و به نوعی تحول درونی، باطنی و تغییر در رفتار انسان را به وجود آورد.

### منابع

- \* قرآن کریم
- \* نهج البلاغه
- \* صحیفه سجادیه
- ابراهیمی فر، علی اصغر. (۱۳۸۵ش). بررسی نظام تربیتی صحیفه سجادیه، چاپ اول. قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، محقق/مصحح: محمدابوالفضل ابراهیم، چاپ اول. قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- ابن الأثیر، عز الدین أبو الحسن علی بن ابی‌الکرم المعروف بابن الأثیر. (۱۳۸۵ش). الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر.
- ابن الطقطقی، محمد بن علی بن طباطبا المعروف بابن الطقطقی. (۱۴۱۸ق). الفخری فی الأدب السلطانی و الدول الاسلامیه، تحقیق عبدالقادر محمد مایو، چاپ اول. بیروت: دارالقلم العربی.
- ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۱۵ق). الإصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوضی، چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن داود الدینوری، ابوحنیفه. (۱۳۶۷ش). الأخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم عامر- جمال الدین شیال. قم: منشورات الرضی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳ق). تحف العقول، چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۷۶ش). تحف العقول، ترجمه کمره‌ای، چاپ ششم. تهران: کتابچی.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۴۸ش). اللهوف علی قتلی الطفوف، ترجمه احمد زنجانی فهری، چاپ اول. تهران: ناشر جهان.
- ابن قتیبه الدینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم. (۱۴۱۰ق). الإمامه و السیاسة المعروف بتاریخ الخلفاء، تحقیق: علی شیری، چاپ اول. بیروت: دارالأضواء.
- أحمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم المقاییس اللغة، محقق/مصحح: عبدالسلام محمد هارون، چاپ اول. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). کشف الغمه فی معرفه الائمه، چاپ اول. تبریز: بنی هاشمی.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۶ش). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ اول. تهران: انتشارات دفتر امور کمک آموزشی در کتابخانه‌ها.
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. (بی تا). تاریخ تشیع، گروه تاریخ و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



- پیشوائی، مهدی. (۱۳۷۹ش). سیره پیشوایان، چاپ یازدهم. قم: موسسه امام صادق (ع).
- حسکانی، عبدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، محقق/مصحح: محمدباقر محمودی، چاپ اول. تهران: التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الاسلامی، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیه.
- حلّی، علی بن یوسف بن المطهر. (۱۴۰۸ق). العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، مصحح: مهدی رجائی و محمود مرعشی، چاپ اول. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- رغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۶ش). مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، چاپ دوم. تهران: نشر مرتضی.
- رغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول. بیروت: دارالقلم.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹ش). ترجمه و شرح نهج البلاغه (فیض الإسلام)، چاپ پنجم. تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۷۹ش). نهج البلاغه، ترجمه دشتی، چاپ اول. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع).
- شریف قرشی، باقر. (۱۳۷۲ش). تحلیلی از زندگانی امام سجاد (ع)؛ ترجمه محمد رضا عطائی، کنگره جهانی حضرت رضا (ع).
- شهیدی، سیدجعفر. (بی تا). زندگانی علی بن الحسین (ع). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- صدوق؛ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲ش). الخصال، محقق/مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.
- صدوق؛ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۵ش). علل الشرائع، چاپ اول. قم: کتاب فروشی داوری.
- صدوق؛ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۷ق). کمال الدین و تمام النعمه؛ محقق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم. تهران: ناشر اسلامی.
- صدوق؛ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه، محقق/مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- صدوق؛ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ش). عیون أخبار الرضا (ع)، محقق/مصحح: مهدی لاجوردی، چاپ اول. تهران: نشر جهان.
- صدوق؛ ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۸ق). التوحید، چاپ اول. قم: جامعه مدرسین.
- صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، محقق/مصحح: محسن ابن عباسعلی، چاپ اول. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۸۱ش). الاحتجاج، ترجمه: بهزاد جعفری، چاپ اول. تهران: اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج؛ مصحح/محقق: محمدباقر خراسان، چاپ اول. مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). اعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ سوم. تهران: اسلامی.
- طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین، مصحح/محقق: احمد حسین اشکوری، چاپ سوم. تهران: مرتضوی، تهران.
- عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۳ق). تفصیل وسائل الشیعه، الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت (ع).

- قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس، چاپ ششم. قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کبیر مدنی، سید علیخان بن احمد. (۱۴۰۹ق). ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، محقق: محسن حسینی امینی، چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). کافی، چاپ اول. قم: دارالحدیث.
- لجنه الحدیث فی مرکز أبحاث باقر العلوم. (بی‌تا). موسوعه کلمات الرسول الاعظم، چاپ اول. تهران: دارالنشر امیرکبیر.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶ش). جلاء العیون، تاریخ چهارده معصوم (ع)، علامه، تحقیق: سید علی امامیان، چاپ دوازدهم. قم: سرور.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، چاپ دوم. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ق). مرآة العقول فی شرح اخبار ال الرسول، محقق/مصحح: هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجله ماهنامه معرفت، سال ۲۱، شماره ۱۷۴، خرداد ۹۱.
- محمد بن مکرم، ابن منظور. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، محقق/مصحح: جمال الدین میردامادی، چاپ سوم. بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی. (۱۴۰۹ق). مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق: اسعد ذاعر، چاپ دوم. قم: دارالهجره.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۰ش). سجاده های سلوک، شرح مناجات‌های حضرت سجاد (ع)، چاپ اول. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹ش). امامت و رهبری، چاپ شانزدهم. تهران: صدرا.
- مظفر نجفی، محمدحسن. (۱۴۲۲ق). دلائل الصدق لنهج الحق، چاپ اول. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الامالی، چاپ اول. قم: کنگره شیخ مفید.
- مفید، محمد بن محمد. (بی‌تا). الإرشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: اسلامیه.